

The lived experience of laboring in Iraq (1940-1979)

Shayan Karami*

Siavash Yari**

Abstract

The purpose of this article is to explain the labor phenomenon of Iranians in Iraq based on lived experience. The main issue is to achieve the laboring reality of Iranian nomads in Iraq based on their lived experience. The current research seeks to answer the question that the collective labor phenomenon was based on what rules and methods? Most of the research data were collected using semi-structured interviews and partly from the National Archives of Documents. The method of data analysis is phenomenology. The findings of the research show that during the Pahlavi period, about 10,000 Iranian workers - a majority of the Kurdish tribes of Ilam - were continuously engaged in labor and porters in Iraq (Basra and Baghdad). The most important factors of workers' migration were poverty, unemployment and World War II. Laboring was a cooperative work based on an organization called "Jokeh". Each Jokeh consisted of one headman, two loaders, two rowers, 8 to 16 porters, and 3 to 5 substitute members. Also, the entry of workers into political-social movements was one of the consequences of the labor phenomenon in Iraq. In the documentary narrative, the phenomenon of Iranian laboring and porters in Iraq is considered a source of shame for the Pahlavi government. In the narration of the lived experience of laboring and porting, based on the requirements of that time, it evoked zeal and physical strength.

Keywords: Iraq, laboring history, Ilam, Kurds of Faili.

* PhD student of history and Guest lecturer of Ilam University, Ilam, Iran, shayan_karami99@yahoo.com

** Associated professor of History, Ilam University, Ilam, Iran (Corresponding Author), S.yari@ilam.ac.ir

Date received: 2022/10/24, Date of acceptance: 2023/01/10



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م)

شایان کرمی*

سیاوش یاری**

چکیده

هدف این مقاله تبیین پدیده کارگری ایرانیان در عراق بر پایه تجربه زیسته است. مسئله اصلی دستیابی به واقعیت کارگری (باربری) عشایر ایرانی در عراق بر اساس تجربه زیسته آنهاست. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که پدیده کارگری اشتراکی بر چه قاعده و اسلوبی استوار بود؟ عمده داده‌های تحقیق با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و بخشی نیز، از آرشیو ملی اسناد گردآوری و به روش پدیدارشناسی تفسیری ون منن (Van Manen) تجزیه و تحلیل شده‌اند. این اولین تحقیق تاریخ کارگری ایرانیان در عراق است که بر پایه تجربه زیسته کارگران انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در طول دوران پهلوی حدود ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران ایرانی - جمعیت غالب از عشایر گرد ایلام - به صورت مستمر در عراق (بصره و بغداد) مشغول کارگری و باربری (حمالی) بودند. مهم‌ترین عوامل مهاجرت کارگران، فقر، بیکاری و جنگ جهانی دوم بود. کارگری به صورت اشتراکی و بر اساس سازمانی به نام «جوکه» بود. هر جوکه از یک نفر سرجوکه، دو نفر بارزن، دو نفر بارچین، تعداد ۸ الی ۱۶ نفر حمال و ۳ الی ۵ نفر عضو علی البدل (تعویضی) تشکیل می‌شد. همچنین، ورود کارگران به جنبش‌های سیاسی - اجتماعی از پیامدهای پدیده کارگری در عراق بود. در روایت اسنادی، حکومت پهلوی - به خاطر کارگری ایرانیان در عراق - مورد انتقاد قرار گرفته است. در

* دکترای تاریخ، مدرس مدعو دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، shayan_karami99@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)، S.yari@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

روایت تجربه زیسته کارگری و باربری بر اساس مقتضیات آن زمان تداعی کننده غیرت و قدرت جسمانی بود.

کلیدواژه‌ها: عراق، تاریخ کارگری، ایلام، گرد فیلی، جَوَکه.

۱. مقدمه

یکی از رخدادهای مهم تاریخ معاصر ایران فروپاشی جامعه ایلی و عشایری بود. نشانه‌های آغاز این فروپاشی عظیم در تاریخ قرون میانه ایران قابل رؤیت است. در خلال فروپاشی این نظم اقتصادی سنتی که قاعده آن بر توزیع منابع طبیعی استوار بود، بخشی از نیروی کار رها شده، مشغول راهزنی و غارت‌گری و بخش قابل توجهی نیز رهسپار کشورهای همسایه شد. مهم‌ترین مشاغل جمعیت عشایری، نظامی‌گری و پرورش دام به شیوه سنتی بود. پس از انقلاب مشروطه و تصویب قانون انحلال افواج ایلی، فروپاشی جامعه ایلی و مهاجرت نیروی کار آن شدت بیشتری گرفت. در منابع مختلفی با ذکر اعداد و ارقام قابل توجهی به مهاجرت رعایای ایرانی برای کار در سرحدات شمال شرقی و شمال غربی اشاره شده است. در سال ۱۳۲۹ق - به فاصله چند سال پس از انقلاب مشروطه - ۱۹۳۰۰۰ کارگر ایرانی به روسیه مهاجرت کردند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۷۵-۷۸). پس از انقلاب مشروطه ضرب آهنگ مهاجرت گروهی عشایر مرزهای غربی به عراق شدت گرفت. اجرای برنامه اسکان اوج فروپاشی جامعه عشایری و یکی از پیامدهای مستقیم آن، مهاجرت بخش قابل توجهی از نیروی کار عشایری به عراق بود. این نیروی کار مهاجر بی‌سواد و فاقد مهارت‌های کارگری بود. زیرا پیشینه کاری آن از یک قاعده اقتصادی غیر تولیدی و غیر صنعتی ریشه می‌گرفت (یاری و کرمی، ۱۳۹۹: ۲۲۴-۲۱۹). کارگر با باربر (حمال) تفاوت دارد. معنی و مفهوم کارگر با تولید و صنعت مرتبط است و بر این اساس هیچ نیروی کار عشایری را نمی‌توان کارگر فرض کرد.^۱ به صورت تخمینی می‌توان گفت حدود ۷۰ درصد نیروی کار مهاجر به عراق باربر (حمال)، ۲۰ درصد کارگر و ۱۰ درصد فنی و صاحب کسب و کار بودند. در این تحقیق واژه کارگر به صورت عام -هم به معنی کارگر و هم در معنای باربر- به کار رفته است. غالب جمعیت کردهای شیعه مذهب عراق (گردهای فیلی) بازماندگان عشایر مهاجر ایرانی هستند. بسیاری از مهاجران ایرانی - بیش‌تر گردهای ایرانی - و مخصوصاً نسل‌های بعدی آنها در عراق به مشاغل و مناصب مهمی دست یافتند. این پژوهش به دنبال تبیین مسئله کلی مهاجرت اقوام ایرانی به عراق و موفقیت و عدم موفقیت آنها نیست. دکان‌داری، حمل و نقل با ماشین‌آلات سنگین و کار در صنایع از دیگر

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۱۹۵

مشاغل غیر کارگری ایرانیان در عراق بود. تمرکز اصلی این مطالعه بر روی پدیده کارگری فصلی عشایر ایرانی بین سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۴۰م / ۱۳۵۷-۱۳۱۹ش در عراق است. جدای از پدیده کلی مهاجرت، به نظر می‌رسد جمعیت قابل توجهی برپایه فرض و گمان حدود ۱۰۰۰۰ نفر- از طبقه اجتماعی عشایر غرب ایران برای کارگری و باربری به شکل غیرقانونی وارد عراق شده‌اند.

طبق داده‌های اسنادی در اواخر جنگ جهانی دوم، سال ۱۳۲۲ش، بیش از ۴۰۰۰ نفر کارگر ایرانی، فقط در بصره، برای متفقین (آمریکا و انگلیس) مشغول به کار بودند. با این حال، تمرکز اصلی جمعیت کارگران ایرانی در بازار بغداد بود. طبق داده‌های اسنادی ۷۰ درصد جمعیت این کارگران متعلق به عشایر مرزنشین پشتکوه (ایلام) بود. در دوره پهلوی دوم حضور کارگران ایرانی در عراق افزایش یافت. مهاجرت کارگران دائمی نبود و آنها پس از یک فصل کاری - بین شش ماه تا دو سال - به زادگاه خویش برمی‌گشتند. مسئله اصلی این تحقیق تبیین ابعاد و زوایای پدیده کارگری فصلی عشایر در عراق برپایه تجربه زیسته کارگران است. به عبارت دیگر، مقاله می‌خواهد چرایی و چگونگی واقعیت پدیده کارگری فصلی عشایر در عراق و زوایای پنهان آن را براساس تجربه زیسته کارگران تفسیر و تبیین کند. مقاله به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که کارگری اشتراکی بر چه قاعده و اسلوبی استوار بود؟

جستجوی نویسندگان نشان می‌دهد در این موضوع تاکنون هیچ تحقیقی انجام نشده است. در شماری از تحقیقات پدیده مهاجرت کردها به عراق بررسی شده، اما کارگری و حمالی، مسئله هیچ‌کدام از آنها نیست. برای نمونه، مرادی مقدم و مرادی در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت ساکنان پشت‌کوه به عراق در دوره قاجار و پهلوی و تحلیل اقدامات صورت گرفته برای بازگشت آنان» مسئله مهاجرت کردهای ایلام به عراق را برپایه اسناد و بیشتر از جنبه سیاسی تحلیل و بررسی کرده‌اند. در تعدادی از سفرنامه‌ها و اسناد دوره پهلوی اطلاعاتی درباره کارگری ایرانیان در عراق وجود دارد. در چشم تیزبین خانم مادلین استارک، جهانگرد انگلیسی، کارگران ایرانی «زیباترین ساکنان بغداد» جلوه کرده‌اند. استارک می‌گوید

آنها با پاهای برهنه و اندام تنومندشان راه می‌روند. شالی به کمر بسته‌اند که لباس‌های ژنده را بر تن‌شان نگه می‌دارد، کوله‌پشتی نمدی ضخیمی جهت حمل بار بر پشت دارند. دور کلاه‌های نمدی‌شان عمامه‌ای بسته‌اند و معلوم می‌شود که این‌ها به افراد فعال قبایل در نواحی کوهستانی شرق عراق تعلق دارند و همان‌قدر که مغرورند در میان خود نیز مثل

هریک از اعضای قبایل ساکن لرستان دارای نفوذ و شخصیتی هستند (استارک، ۱۳۶۳: ۶۷-۶۸).

این توصیف جامع بخش مهمی از واقعیت کارگری عشایر کُرد را منعکس کرده است. برخلاف روایت‌های رسمی و نخبه‌گرایانه که بیشتر به تحقیر پدیده کارگری پرداخته است؛ در روایت تجربه زیسته استارک باربران ایرانی بغداد «تنومند»، «زیبا»، «مغرور»، «با شخصیت» و دارای نفوذ و احترام در بین اقوام خویش توصیف شده‌اند. هنری فیلد، انسان‌شناس آمریکایی، برای توصیف آناتومی گُرها، نیازی به سفر لرستان نداشت؛ چرا که جمعیت انبوهی از گُره‌های فیلی بغداد مشکل او را حل می‌کرد. او در انتهای کتاب *مردم‌شناسی ایران* تصایر زیادی از گُرد(های فیلی بغداد را ثبت کرده است.

نویسندگان به دلیل بومی بودن و انجام پژوهش‌های مرتبط آشنایی کافی با کلیات موضوع داشتند. بر این اساس، پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۲۶ سوال طراحی و تنظیم شد. طرح سوال به‌گونه‌ای بود که ابعاد و زوایای مختلف کارگری و زندگی در عراق را پوشش دهد. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان براساس تجربه زیسته کارگری در عراق بود. در مرحله اول با ۱۸ نفر مصاحبه به عمل آمد. سن مصاحبه‌شوندگان بین ۷۰ تا بیش از ۱۰۰ سال بود. گفتگو به زبان مادری مصاحبه‌شوندگان (کُردی ایلامی) به عمل آمد. داده‌های مصاحبه با حفظ ادبیات گویندگان یادداشت شد. مصاحبه به روش گفتگوی رو در رو در مکان‌های مختلف از جمله منزل شخصی، دکان، بازار، پارک و غیره انجام شد. تاریخ جامعه عشایری و طبقه کارگران به علت بی‌سوادی کمتر ثبت و ضبط شده، اما رخدادهای مهم آن در اشعار شاعران این طبقه فرودست بازتاب یافته است. از جمله داده‌های مهم تحقیق گردآوری اشعار کارگری آکی، شاعر بلندآوازه ملکشاهی است. در مرحله دوم مفاهیم و مقولات مهم به صورت خوشه‌ای دسته‌بندی و در مرحله سوم، مقوله‌های هسته‌شناسایی شد. انتخاب مفاهیم و مقولات بر پایه تکرار تجربه مشترک و تصدیق صحت آن در بینادهنیت مصاحبه‌شوندگان بود. بنابر این از ساختن مفاهیم و مقولات مصنوعی پرهیز شد. در مرحله چهارم داده‌های مصاحبه‌ها به متن روان تبدیل شد. در این مرحله محورها و ابعاد تحقیق مشخص شد و تحقیق به اصطلاح جا افتاد. در مرحله پنجم جست‌وجوی هدفمندی برای دستیابی به داده‌های اسنادی آغاز شد. حدود ۲۰۰ برگ سند از آرشیو ملی اسناد انتخاب و داده‌های آنها استخراج شد. اختلاف داده‌های اسنادی با داده‌های مصاحبه قابل توجه بود و برای پاسخ به ابهامات به وجود آمده و تکمیل تفسیرها ۳ مصاحبه

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۱۹۷

جدید به عمل آمد و به تعدادی از مصاحبه شوندگان قبلی هم رجوع شد. برپایه داده‌های جدید اصلاحاتی در تحقیق اعمال گردید و نگارش نهایی انجام شد.

۲. یافته‌های تحقیق

در روند تجزیه و تحلیل داده‌ها تعدادی از مفاهیم و مقولات مهم تحقیق شناسایی شد. این مقولات با برچسب‌های مفهومی در چهار بعد طرح کلی تحقیق را نمایان می‌سازد. ابعاد این تحقیق عبارتند از: «عوامل مهاجرت کارگران»، «تشکیلات کارگری»، «کارگری و سیاست» و «اعتراض به حمالی». مقولات اصلی هر برچسب در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱. مقولات محوری تحقیق

برچسب‌های مفهومی	مقولات هسته
عوامل مهاجرت کارگران	پیوندهای خویشاوندی، بیکاری، بی‌سوادی، فقر، جنگ
تشکیلات کارگری	جوکه، ذویه، کار قاچاق، برانی، حمال صغیری، دستمزد
کارگری و سیاست	جنبش کارگری، عبدالکریم قاسم، کردگرایی
اعتراض به حمالی	غیرت، نیروی جسمانی، اشعار آکی

۳. عوامل مهاجرت کارگران

پیوندهای فامیلی که ریشه در اشتراکات تاریخی و فرهنگی با عراق دارد، از عوامل مهم در جذب نیروی کار غرب ایران به عراق بود. مهاجرت و رفت و آمد در مرزهای ایران و عراق بنابر پیوندها و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و دینی از قدیم وجود داشت. در پشتکوه ایلام به- جز کشاورزی و دام‌پروری صنایع شکل نگرفته بود، بنابر این نیروی کار مازاد در کشاورزی و دام‌پروری مجبور به مهاجرت بود. بر این مبنای بیکاری از عوامل مهاجرت مرزنشینان به کشور همسایه بود. غالب مصاحبه شوندگان بر این واقعیت تأکید داشتند که «اینجا هیچی نبود». فقر، بیکاری بی‌سواد و ظلم و ستم حکام سبب شده بود تا مهاجران «مملکت حاصلخیز ایران را با هزاران حسرت» رها کنند (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۳۱۸). اکثریت کارگران مهاجر به عراق از جمعیت عشایری و بی‌سواد جامعه ایران بودند. در گزارش محمود باباخانیان، وکیل مهاجران پشتکوهی، برخی از علل مهاجرت نیروی کار منطقه به عراق بازتاب یافته است. باباخانیان می‌گوید، نظر بر این که زمین پشتکوه از تمامی ممالک محروسه ایران کوچک‌تر و کم‌درآمدتر است، نه زمین

کافی برای کفایت مردمان ساکن در آنجا وجود دارد، نه معدنی در زمین آنجا استخراج شده و نه کارخانه‌های صنعتی برای کار مردم در آنجا احداث شده‌اند. نظر بر این، تا حال حاضر (۱۳۴۵ش)، از هر خانه یکی دو نفر در عراق برای گذران امور زندگی فامیل‌شان مشغول کسب و کار هستند (استادوخ، ۱۷-۶/۲-۲۴۰-۱۳۴۵؛ به نقل از مرادی‌مقدم و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۸۸). یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «در سن نوجوانی به خاطر فرار از شبانی به عراق رفتم» (مصاحبه شماره ۵). برای یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان دلیل مهاجرت به عراق فرار از سربازی بود. ایشان می‌گوید:

به پدرم گفتند یا باید پسرت را برای اعزام به سربازی تحویل دهید، یا در ژاندارمری با دست گذاشتن بر قرآن، سوگند یاد کنید که فرزندت در ایران نیست. من به پدرم گفتم، بعد دو روز به ژاندارمری برو و سوگند یاد کن که پسر من در ایران نیست و به فاصله دو روز خودم را به عراق رساندم (مصاحبه شماره ۲۱).

جنگ جهانی دوم یکی از عوامل مهم مهاجرت کارگران ایرانی به عراق بود. طبق داده‌های اسنادی در سال ۱۳۲۲ش بیش از ۳۰۰۰ کارگر ایرانی در جنوب بصره و حدود ۱۲۰۰ کارگر در شمال بصره برای متفقین کار می‌کردند. در جدول شماره (۲) جزئیات جمعیتی کارگران ایرانی بصره در خلال جنگ جهانی دوم قابل مشاهده است. در مجموع حدود ۵۰۰۰ نفر کارگر ایرانی جذب بازار تشکیلات متفقین در اطراف بصره شدند (ساکما: ۳۱۰۰۱۳۳۹۲-۰۰۰۸). در گزارش اسنادی برای ازدیاد جمعیت کارگران ایرانی در عراق دو عامل ذکر شده است: یکی سختی معیشت در ایران و دوم، نیاز تشکیلات عظیم متفقین به راننده، کارگر، حمال و غیره (ساکما: ۳۱۰۰۱۳۳۹۲-۰۰۰۸). آمریکا و انگلیس دو کارفرمای اصلی نیروی کار ایرانی در بصره بودند. مهم‌ترین فعالیت‌های متفقین در بصره عبارت بود از: ساختمان‌سازی، راه‌سازی، پل‌سازی، کمپ‌سازی و اسکله‌سازی.

جدول ۲. آمار جمعیتی کارگران ایرانی بصره در خلال جنگ جهانی دوم

محل کار	جمعیت (نفر)	کارفرما	وضعیت تأمین	دستمزد روزانه (فلس)	خاستگاه غالب
شعبیه	۱۵۰۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه
رافقیه	۵۰۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه
ام القصیر	۲۵۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه
جبل سنم	۲۰۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه
کامپ خزجر	۱۰۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۱۹۹

جنوب بصره	۵۰۰	ارتش آمریکا	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه
مارگیل یا معقل	۱۲۰۰	انگلیس	فاقد بیمه	۱۰۰ الی ۱۵۰	عشایر پشتکوه

طبق گزارش اسنادی ۷۰ درصد جمعیت کارگران بصره از گردهای ایلام و ۳۰ درصد از بلوچ، بنادر جنوبی ایران و منطقه فارس بودند (ساکما: ۰۰۰۹-۳۱۰۰۱۳۳۹۲). کارگران تا زمانی که سالم بودند می‌توانستند کار کنند و مخارج روزانه آنها تأمین می‌شد، اما به محض بیمار شدن، چون فاقد بیمه و خدمات اجتماعی بودند در بیمارستان‌های عراق پذیرش نمی‌شدند و آن‌چنان که گزارش می‌گوید «در گوشه و کنار می‌افتادند» (ساکما: ۰۰۰۹-۳۱۰۰۱۳۳۹۲).

بخشی از دلایل روی آوردن به کارگری در بغداد در اشعار یکی از شاعران معروف ملکشاهی، آکی حسن‌پور، بر جای مانده است.^۲ او در نامه‌ای منظوم خطاب به فرزندان و دامادش - ضمن شکایت از ناملايمات روزگار، تقاضای کمک می‌کند. آکی می‌گوید:

«نان بویه و جَه‌یون، دَوار و لامال / یک تنه کفتم ژَه نام هامال». ترجمه: با نان جو و زندگی در یک سیاه چادری بی‌کیفیت، پیش رقیبان خوار شده‌ام.

«خورشت خوشم به‌روی ناخوشه / هم ایشم یا رب شکر وه بَشه». ترجمه: غذای خوش من خورشت بلوط بدمزه است، باز هم خدا را به خاطر آن شکر می‌کنم.

«بویشن و قاسم نام وو نیشانه / و فیس او گردین و جگاره کیشانه». ترجمه: به قاسم بگویند نشان به آن نشان که با فیس و افاده راه می‌رود و سیگار می‌کشد.

«ور که‌ی وو بازار پُر حدومه وه / بنوری وو توتون کومه کومه وه / بینمه و خَوشای او بومه وه». ترجمه: به بازار بغداد برو، به توتون‌ها نگاه کند، چهره‌اش را در خواب ببینم و شاد شوم.

«ارام کل نیه کی جور هر جار سوقات / یان مه بی قوروم یا اوی بی اوقات». ترجمه: مثل همیشه برایم سوغاتی نمی‌فرستد، یا من بی اعتبار شده‌ام یا او وقت ندارد.

گزارش‌های رسمی دوره پهلوی اول می‌گوید جمعیت قابل توجهی از ایرانیان ایلام، دزفول و شوشتر در اثر بیکاری و برای کارگری به عماره رفته‌اند (ساکما: ۰۰۴۳۱۸-۲۹۳۰). در دوره پهلوی اول دولت تلاش کرد با ایجاد مشوق‌هایی کارگران ایرانی ساکن عراق را برای بازگشت به کشور علاقه‌مند کند. واگذاری زمین از خالصه‌جات دولتی و بذر و امکاناتی مختصر برای کشاورزی که پیرو سیاست اسکان عشایر غرب ایران به اجرا درآمد؛ مشمول ایرانیان مهاجر به عراق نیز می‌شد. البته توضیح این نکته ضروری است که عده‌ای از عشایر مرزنشین ایلام به دلایل سابق الذکر و نیز سخت‌گیری والیان پشتکوه از اواسط دوره قاجاریه به شکل گروهی

(طایفه و قبیله‌ای) به عراق مهاجرت کرده بودند. گزارشی مربوط به سال ۱۳۱۹ش می‌گوید: «دولت از تمامی کدخدایان التزام گرفته که کسی خارج نشود. طایفه ملکشاهی و ... گروه گروه سر به بیابان گذاشته و گریزانند. سبب آن هم ظلم مأمورین و گماشتگان دولتی است» (ساکما: ۲۹۳۰۰۴۳۱۸). در دوره رضاشاه و پیرو برنامه اسکان عشایر و واگذاری زمین تعدادی از این خانوارها به ایران بازگشتند.

۴. تشکیلات کارگری

۱.۴ جوکه

جوکه کلمه‌ای عربی و به معنی دسته یا گروه است. شکل‌گیری گروه کاری جوکه از نتایج مهاجرت کاری به عراق بود. جوکه دسته‌ای از کارگران -متشکل از ۱۰ الی ۲۰ نفر- که معمولاً در ایران و به قصد عزیمت به عراق برای یک فصل کاری مشخص تشکیل می‌شد. معمولاً به دلیل روابط قوم و خویشی اعضای جوکه ضرورتی برای مکتوب کردن قواعد این سیستم کار وجود نداشت. مدت زمان قرارداد جوکه ۶ ماه الی ۱ سال و در صورت لزوم ممکن بود تا ۲ سال تمدید شود. طبق این قرارداد اجتماعی عده کمی از اعضای جوکه در محل زندگی باقی می‌ماندند. وظیفه آنها نگهداری از خانواده‌های سایر اعضای جوکه بود. علاوه‌بر آن، آنها وظیفه داشتند تا زمان برگشت اعضا از عراق از دام‌ها و کشاورزی و خانه و دارایی‌های همه اعضا مراقبت نمایند. نظام جوکه به روش «شُونِ اَو شُون»^۳ تداوم داشت (مصاحبه شماره ۵). در این سیستم تعدادی از کارگران پس از یک فصل کاری راهی خانه و دیار می‌شدند و گروهی تازه نفس که قبلاً مسئول مراقبت از خانواده و دام‌ها و ... بودند، جای آنها را پر می‌کردند و این چرخه پیوسته تکرار می‌شد.

۱.۱.۴ نظام تقسیم کار جوکه

هر جوکه از یک نفر سرجوکه، دو نفر بارزن، دو نفر بارچین و تعداد ۸ الی ۱۶ نفر حمال تشکیل می‌شد. سرجوکه یا سر دسته قرارداد کار را با کارفرما منعقد می‌کرد و کارهای تسویه حساب با تجار را انجام می‌داد. اعضای جوکه هفته‌ای یکبار با سرجوکه حساب و کتاب می‌کردند. درآمد و فعالیت اعضای جوکه به نسبت زیادی به زرنگی و فعالیت و روابط سرجوکه بستگی داشت. سواد محاسبه و تسلط کامل به زبان عربی از فاکتورهای مهم

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۰۱

برای سرجوکه بود. سرجوکه ضامن اعتماد کارفرما به کارگران بود و مسئولیت آن را برعهده می‌گرفت. این امتیازات باعث می‌شد که سرجوکه بدون انجام کار عملی، فقط بر اجرای کار نظارت داشته باشد. اگرچه برخی از سرجوکه‌ها در مقایسه با سایر اعضا سهم بیشتری از دست‌مزد را طلب می‌کردند؛ دریافتی سرجوکه معمولاً مساوی با سایر اعضای جوکه بود (مصاحبه شماره ۳).

دو نفر از اعضای جوکه مسئول بارزنی بودند. به دلیل سنگینی بارها -۱۸۰ الی ۲۰۰ کیلو- بارزن‌ها از میان افراد قوی بنیه انتخاب می‌شدند. در کل، داشتن قدرت جسمانی و ورزیدگی شرط اول ورود به جوکه بود، اما برای بارزدن کیسه یا تیر آهن‌های سنگین به قدرت دست و بازو بیشتر نیاز است. در هر جوکه «دو گر و کار» (دو مرد قوی و کاری) به عنوان «بارگر» (بارزن) انتخاب می‌شد. کار اصلی بارزن‌ها بلند کردن بار و گذاشتن آن بر پشت کارگر بارکش بود (مصاحبه شماره ۲۰).

در سلسله مراتب کار اشتراکی حامل‌ها پایین‌ترین لایه نظام جوکه را تشکیل می‌دادند و کار سخت بارکشی برعهده آنها بود. ۸ الی ۱۶ نفر از اعضای جوکه بارکش یا حامل بودند. در نظام جوکه تقسیم درآمد ظاهراً عادلانه و به شکل برابر بین اعضا انجام می‌شد، اما تقسیم کار عادلانه و برابر نبود. کار و زحمت اصلی برعهده حاملان بود، ولی حق الزحمه آنها از بقیه بیشتر نبود. بر اساس قاعده تقسیم کار در نظام جوکه دو نفر وظیفه داشتند بار حمل شده را در محل مورد نظر به شکل منظم بچینند. کار بارچین یا صفاف به نسبت از بقیه اعضای جوکه راحت‌تر بود. چینش منظم بار و استفاده بهینه از فضای مورد نظر در حین کار به مهارت و تجربه بارچینی (صفافی) نیاز داشت. حامل‌ها پس از مدتی تجربه‌اندوزی می‌توانستند بارچینی را بیاموزند و چون تقاضا برای بارچینی در جوکه زیاد بود، در برخی از جوکه‌های کار سمت بارچینی حذف می‌شد و کارگران بارکش خودشان چینش بار را هم انجام می‌دادند. با این تفاوت که دو نفر به جمع بارکش‌ها افزوده شده و از تعداد بارهایی که باید حمل می‌کردند، کاسته می‌شد (مصاحبه شماره ۲۰).

چون در این سفر کاری خطرات زیادی وجود داشت، کارگران نمی‌توانستند خانواده‌هایشان را با خود به همراه ببرند. بنابراین این افرادی باید در محل زندگی عشایری از خانواده مراقبت می‌کردند. حدود ۳ الی ۵ نفر از اعضای جوکه در محل زندگی جا می‌ماندند. وظیفه آنها مراقبت از خانواده تمام اعضای جوکه، همچنین، جابجایی خانه عشایری در فصل کوچ - معروف به «ماله خوار، ماله ژویر»- و برداشت محصولات کشاورزی بود. افراد نگهبان در محل

پس از یک فصل کاری با همان تعداد از اعضای جوکه تعویض می شدند. در سیستم کار جوکه ۳ الی ۵ نفر از اعضا به صورت چرخشی برای استراحت و دیدار با خانواده به زادگاه عشایری برمی گشتند و افراد تازه نفس برای پر کردن جای آنها راهی عراق می شدند. این سیستم که در بین کارگران به «شون آو شون» یا تعویض معروف است، برای سالهای طولانی تداوم داشت. اعضای که در محل زندگی مسئولیت مراقبت از خانواده‌ها را بر عهده داشتند، «سه گت» یا یک سوم درآمد عضو اصلی جوکه را دریافت می کردند. یکی از مهم ترین فکتهایی که مصاحبه شونده‌گان بر آن تأکید داشتند، اعتماد اعضای جوکه به همدیگر بود. هر جوکه کار دست کم برای یکسال زن و فرزندان شان را باید به دست افراد مورد اعتماد از قوم و خویش می سپردند. در این مدت به جز نامه نگاری هیچ وسیله ارتباطی دیگر برای تماس با خانواده در دسترس نبود. نامه‌ها و هدایا معمولاً توسط کارگران دیگری که بعد از اتمام فصل کاری به منطقه مراجعه می کردند، تحویل می شد (مصاحبه شماره ۲).

در صورت بیماری یا ناراحتی هر یک از اعضای جوکه، سایرین وظیفه داشتند که به او کمک کنند. در صورت بروز هرگونه پیشامد از جمله جنگ و درگیری، اعضای جوکه پشتیبان هم بودند (مصاحبه شماره ۴). یکی از رخدادهایی که پیوند نیرومند حمایتی اعضای جوکه را نشان می دهد، مرگ یک گروه ۲۰ نفره از جوکه‌های کار عراق در راه بازگشت به ایران بود. توضیح آنکه در سال ۱۳۴۲ش یک گروه ۲۰ نفره از جوکه‌های مختلف پس از اتمام فصل کار راهی زادگاه عشایری در منطقه ملکشاهی شدند. آنها در صحرای مرزی بین ایران و عراق معروف به «هلت» راه را گم و در اثر شدت گرمای هوا، جملگی، جان به جان آفرین تسلیم کردند.^۴ اما نکته مهم حادثه این بود که، ۱۹ نفر از برادران افراد متوفی (هم جوکه) با بیوه برادرشان ازدواج کردند (مصاحبه شماره ۲۱).

در جدول شماره (۳) مشخصات تقسیم کار جوکه قابل مشاهده است.

جدول ۳. تقسیم کار اعضای جوکه

عنوان	تعداد (نفر)	وظیفه	ویژگی خاص	دستمزد
سرجوکه	۱	تنظیم قرارداد کار و حساب و کتاب	باسواد	برابر با اعضاء
بارزن	۲	بار زدن	دستان قوی	برابر
بارکش (حمل)	۸ الی ۱۰	حمل بار	استقامت	برابر
بارچین (صفاف)	۲	چینش بار	مهارت چینش بار	برابر

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۰۳

مراقب خانواده	۳ الی ۵	مراقبت از خانواده اعضای جوکه، برداشت محصول، بیلاق و قشلاق عشائری	اعتماد	یک سوم
---------------	---------	--	--------	--------

منبع: مصاحبه شماره (۲۰)

اعضای جوکه برای اسکان اجاره‌ای پرداخت نمی‌کردند. معمولاً از دفاتر محل کار و چایخانه‌ها برای خواب و استراحت استفاده می‌شد. اعضای جوکه برای کم کردن هزینه اسکان مشتری ثابت یک چایخانه می‌شدند. آنها با پرداخت هزینه صبحانه، نهار و شام از مکان چایخانه به صورت مجانی برای خواب و استراحت شبانه استفاده می‌کردند (مصاحبه شماره ۴).

۲.۴ برانی

به کار آزاد و خارج از جوکه در بازار به صورت روزانه و خرد «برانی» گفته می‌شد. کارگرانی که بنا به هر دلیلی از جوکه خارج می‌شدند در بازار به روش برانی کار می‌کردند (مصاحبه شماره ۱۴). کارگرانی که به صورت برانی کار می‌کردند، گاه در دو شیفت کاری از صبح تا شب تا ۳ دینار هم درآمد داشتند (مصاحبه شماره ۱۴). کار برانی تضمینی نبود و اولویت کار در عراق عضویت در جوکه بود. عمده‌ترین کار جوکه تخلیه بار کشتی‌های دُوبه (Barge) بود. تخلیه بارهای هر دُوبه بین ۱۰ الی ۱۵ روز طول می‌کشید. آهن، میلگرد، محصولات کشاورزی و شیمیایی از عمده‌ترین بارهای بازار بود (مصاحبه شماره ۲). به غیر از کار در دُوبه، عده‌ای دیگر در دکان‌های تجار مشغول به کار می‌شدند.

۳.۴ حمل صغیری

«حمل صغیری» (مصاحبه شماره ۱۶) یا به زبان امروزی «کار کودکان» از دیگر اشکال کارگری در بازار بغداد بود. نوجوانان کمتر از ۲۰ سال، بارهای کوچک را حمل و البته دستمزد خیلی کم‌تری دریافت می‌کردند (مصاحبه شماره ۱۳). کودکان و نوجوانان در دُوبه و یا دفاتر و مراکز عمده باربری نمی‌توانستند کار کنند. آنها با استفاده از سبد یا کوله حمل بار، خرده اجناس خریداران را از محل خرید در بازار تا منزل شخص‌شان حمل می‌کردند (مصاحبه شماره ۲۰).

۴.۴ کار قاچاق

برای رفتن به عراق از مسیر قاچاق، ۱۰ دینار باید به بلدی پرداخت می‌شد. مسیر ورود غیر قانونی به عراق از مرز مهران و مسیر برگشت قانونی (سوق) از مرز خسروی بود. کارگران در مسیر ورود قاچاقی به عراق از کوهستان معروف «کولک» در نقطه صفر مرز مهران عبور می‌کردند، پس از چند ساعت پیاده‌روی در خاک عراق و عبور از پل معروف «دیالا»، ادامه مسیر تا بازار بغداد توسط کامیون‌های باری انجام می‌شد. اکثر مصاحبه‌شوندگان به علت ورود غیر قانونی به عراق تجربه چند ماه زندان داشتند (مصاحبه شماره ۱۳). طی سالیان متمادی تردد مرزی، مسیرهای ورود و خروج غیر قانونی مشخص شده بود و بسیاری از راهزنان و ماموران دولتی که قصد اخاذی داشتند در آنجا کشیک می‌دادند. هیچ تضمینی برای بازگشت امن وجود نداشت و ممکن بود حاصل دسترنج چند سال کارگری در مسیر بازگشت توسط نیروهای امنیت مرزی عراق و یا راهزنان به یغما برود (مصاحبه شماره ۳). اگرچه داده‌ها بر مهربانی، خوش رفتاری و ملایمت مردم عراق با کارگران ایرانی تأکید دارد، اما ماموران دولتی را رشوه‌خوار و فاسد توصیف می‌کند (مصاحبه شماره ۳).

۵.۴ دستمزد

هر کدام از کارگران در محل زندگی مالک مقداری زمین کشاورزی و تعدادی دام بودند. واقعیت این است که کارگران و حمالان عشایری از نظر اقتصادی فقیر نبودند. دارایی، ملک، احشام و درآمد آنها به نسبت از طبقه کارگران شهری بیشتر بود. یکی از کهنسالان که بیش از ۲۰ سال در عراق کارگری کرده، می‌گوید: «با پول کارگری یک گله گوسفند و بز به همراه دو قاطر خریدم و برای پدرم به ایلام فرستادم» (مصاحبه شماره ۱۲).

هر کارگر روزانه ۱ الی ۱/۵ دینار درآمد داشت. به دست آوردن ۱۰ دینار در بازار برای کارگران تازه‌کار دست‌کم ۲ الی ۳ ماه زمان لازم داشت (مصاحبه شماره ۵). کارگران جوان و کم تجربه دستمزد ناچیزی دریافت می‌کردند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که به خاطر فرار از شبانی به عراق رفته بود، در کارگاه تنباکو سازی روزی یک درهم درآمد داشت (مصاحبه شماره ۸). تعدادی از کارگران فصلی پس از مدتی در عراق ماندگار شدند. آنها پس از گذشت ۲۰ الی ۳۰ سال کار و زندگی در عراق مال و اموال زیادی اندوخته و به تجارت مشغول بودند (مصاحبه شماره ۱۰). دستمزد روزانه یک دینار و هر دینار برابر با ۲۰ تومان ایران بود (مصاحبه

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۰۵

شماره ۴). برخی از کارگران باهوش به اتکای شراکت با فردی از اعراب از طریق انبارداری و مشاغل دیگر روزانه ۴۰ الی ۵۰ دینار درآمد داشتند (مصاحبه شماره ۱۶). عده کمی از کارگران ایرانی بنابر روابط فامیلی که در عراق داشتند، موفق شدند کارت اقامت موقت دریافت کنند. آنها با راهاندازی دکان خرده فروشی در بازار روزانه ۱۰ الی ۱۵ دینار درآمد کسب می‌کردند (مصاحبه شماره ۱۸).

مردان قوی بنیه در بازار آهن مشغول به کار بودند و دستمزد آنها از بقیه کارگران بالاتر بود. آنها در گرمای طاقت‌فرسای بغداد تیرهای آهن ۱۸۰ و ۲۰۰ کیلویی را بر روی دوش می‌کشیدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید دلیل حضور ما در بغداد این بود که «کارهایی که ما انجام می‌دادیم در توان هیچ یک از مردم عراق نبود» (مصاحبه شماره ۲۰). کارگران ترجیح می‌دادند که در فصل زمستان در بازار آهن کار کنند، زیرا کار در فصل تابستان به دلیل داغ شدن سطح آهن و گرمای هوای بغداد، بسیار طاقت‌فرسا بود. در گزارش باباخانیان، وکیل مهاجرین ایلامی، نیز، به این نکته اشاره شده است. او می‌گوید کارگران ایلامی عراق «در انجام کارهای سخت و سنگین بر تمام کارگران دنیا متفوق هستند»^۵ (استادوخ، ۱۷-۶/۲-۲۴۰-۱۳۴۵؛ به نقل از مرادی‌مقدم و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۸۸).

گرانی بغداد و پایین بودن دستمزد کارگران در اشعار علی‌رحیم، فرزند آکی، منعکس شده است. او در پاسخ به نامه پدرش که از وی تقاضای کمک کرده بود، می‌گوید:

«با هم نامه گت هات چنه قواله / عاجزم ژه دس پول حواله». ترجمه: پدر، باز هم نامه بلندبالایی از شما، اندازه یک سند، رسید، من خودم حتی از پرداخت پول حواله برای ارسال نامه هم ناتوان هستم.

«مَر مه هام ال بان گنج خزانه / خوی ستره^۶ خوازی، ژنه‌ی لَرزانه^۷». ترجمه: مگر من روی گنج و خزانه نشسته‌ام که پدرم برای خودش و زنش از من لباس‌های فاخر می‌خواهد.

«بویشن و باوگم نام وو نیشانه / ده بغدا نانی بوی و پنج آنه^۸ / اوی هم حق^۹ بگری هم مویشکانه^{۱۰}». ترجمه: به پدرم بگوئید نشان به آن نشان که در بغداد قیمت یک نان به پنج آنه رسید، او سعی کند در آسیابش هم سهم حق و هم سهم مویشکانه را دریافت کند.^{۱۱}

«پویل رای کل نیکم مگر و زوره؟ / لوینه^{۱۲} آسیاو کریمگ کوره» (مصاحبه شماره ۵). ترجمه: پولی برایش نمی‌فرستم مگر زور است؟ او آسیابان آسیاب کریم‌بیگ نابیناست.

«دو شیر جنگی اشکاری کارن / ژه گوپه و ژه بلیاق هر دگ عیب دارن^{۱۳}» (همان). ترجمه: آنها دو شیر جنگی اشکاری هستند، حیف که از ناحیه گوش و چشم عیب و ایراد دارند.

«زنوبه و حسان^{۱۴} کل کم و کویسان / بینیان و آکی هر کمیان پسان» (مصاحبه شماره ۱۱). ترجمه: زنوبه و حسان را برای آکی به کوهستان می فرستم، بینیم آکی کدامشان را می پسندد. آکی در جواب به پسرش می گوید: «نه زنوبه دیم نه حسانه دیم / نه خوره مرکو ده جسانه^{۱۵} دیم» (همان). ترجمه: زنوبه و حساناش را ندیدم و صدای کشتی اش را در جسان نشیدم. «نه قاطر توپله ده ژیر پای دیم / نه تلیس پر او کول گای دیم / نه نوچه نوحال ده چیت جای دیم» (همان). ترجمه: نه او را سوار بر قاطری دیدم، نه باری بر پشت گاوش دیدم و نه عروسی به خانه آورد.

در واقع آکی با طعنه می گوید، فرزندش پس از عمری کارگری در بغداد مال و دارایی و زن ندارد.^{۱۶} همچنین آکی در اشعار دیگری که نشان می دهد او در سن پیری برای کار به بغداد رفته بود، به بی ارزشی پول عراق اشاره و از اینکه در ورودش به بغداد، فرزندانش از او پذیرایی شایسته ای نکردند، شکوه کرده است. او (مصاحبه شماره ۵) می گوید:

«تف ال پویله گه کس مناس تان / چوی گرتن عزت باوگ خاص تان» ترجمه: تف به آن پول بی ارزش و ناشناس تان، دستمیزاد، عجب احترامی به پدر خوب تان گذاشتید. «تف ال پویله گه آنه و نوت تان / شبله^{۱۷} بردنه جسر موت تان^{۱۸}» (همان). ترجمه: تف به آن پول ناچیز تان و تف به بار کشیدن چندش آورتان بر روی پل موت.

۵. کارگری و سیاست

۱.۵ گُرد بگیر

«گُرد بگیر» مقوله ای پر بسامد در مصاحبه ها بود. گُرد بگیر به معنی طرح دولت عراق برای دست گیری، جریمه، زندان و اخراج کارگران گُرد ایرانی بود که به صورت غیر قانونی به عراق وارد می شدند. شمول معنایی اصطلاح «گُرد بگیر» بیشتر بر کارگران گُرد شیعه مذهب یا گُردهای فیلی منطبق بود.^{۱۹} کارگران به دلیل ورود قاچاقی در معرض خطرات بسیاری قرار داشتند. آنها هیچ گونه بیمه و خدماتی نداشتند و در صورت مواجهه با هر نوع خسارت مالی و جانی از حمایت قانون محروم بودند. با همه این مشکلات تعداد کمی از کارگران جوان موفق شدند در عراق به مدرسه بروند و مهارت خواندن و نوشتن بیاموزند.^{۲۰} (مصاحبه شماره ۱۶).

۲.۵ کودتای عبدالکریم قاسم، دوره طلایی کارگران ایرانی

جامعه کارگران ایرانی در تحولات سیاسی عراق بازی کردند. مهم‌ترین نقش آفرینی آنها در جریان کودتای عبدالکریم قاسم بود. کارگران ایرانی به عنوان حامیان اصلی عبدالکریم قاسم جنبشی را علیه نظام سرمایه‌داری عراق به راه انداختند. در جریان ناآرامی‌ها خانه و اموال تعدادی از کارفرمایان و مالکان عراقی مورد نهب و غارت قرار گرفت (ساکما: ۲۹۰۰۰۷۰۰۷). در جریان کودتای چپ‌گرای عبدالکریم قاسم (۱۴ جولای ۱۹۵۸م) جامعه کارگری عراق از متحدان اصلی او بودند. بر اساس داده‌های اسنادی اعتراض مخالفان عبدالکریم قاسم توسط گروه‌های فیللی سرکوب شد (ساکما: ۲۹۰۰۰۶۵۳۱). مخالفان سرکوب شده با طرح شکایت علیه گروه‌های فیللی به ریشه ایرانی حامیان عبدالکریم قاسم و نداشتن پروانه اقامت در عراق اشاره کردند (همان). ملا مصطفی بارزانی و اطرافیان او در میان کردهای موصل، خانقین و کرکوک به نفع عبدالکریم قاسم تبلیغ می‌کردند. کارگران در بازار و دکان‌های بغداد تصویر عبدالکریم قاسم را به همراه تصاویر استالین، خروشچف و جمال عبدالناصر نصب کردند. غالب مصاحبه‌شوندگان از دوره تسلط عبدالکریم قاسم به عنوان بهترین دوران کارگری در عراق یاد می‌کنند. کارگران ایرانی برای عبدالکریم قاسم جشن گرفتند و برخی بر این باور بودند که او رگ و ریشه‌گردی داشت. در دوره تصدی عبدالکریم قاسم کسب و کار کارگران ایرانی رونق گرفت و از سخت‌گیری‌های سیاسی کاسته شد (مصاحبه شماره ۸).

دستاورد مشارکت کارگران ایرانی در جنبش کمونیستی عراق انجام اصلاحات اقتصادی به نفع طبقه کارگر بود. بر اساس اصلاحات اقتصادی حداقل دستمزد کارگر بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ فلس، معادل ۸۰ الی ۱۰۵ ریال، برای ۸ ساعت کار روزانه تثبیت شد. چنانچه کارفرما دست‌مزد را کم‌تر از نرخ مصوب پرداخت می‌کرد؛ کارگران اجازه داشتند برای احقاق حق خویش به دوایر حمایتی مراجعه کنند (ساکما: ۲۹۰۰۰۶۵۳۱). نان و بقیه اجناس ضروری و نیز اجاره بهای مغازه و منزل به نصف تقلیل داده شد. رادیو با اقساط ماهیانه یک و نیم دینار و بدون پیش‌قسط در دسترس کارگران قرار گرفت. در این گزارش نگرانی از تشدید مهاجرت مرزنشینان ایران به عراق در اثر ایجاد رفاه برای طبقه فرودست منعکس شده است (همان). بدیهی است در این دوران به دلیل نزدیکی حکومت پهلوی به نظام سرمایه‌داری و طرح انقلاب سفید در ایران که حرکتی در جهت باز کردن مسیر سرمایه‌داری تلقی می‌شد، جنبش چپ‌گرای بغداد باعث نگرانی تهران بود. همچنین در آن دوره، یک صندوق مالی برای حمایت از کارگران تاسیس شد و تمام کارگران ایرانی در آن صندوق پس‌انداز می‌کردند. پس از سقوط حکومت

عبدالکریم قاسم تمام دارایی صندوق مسدود و بخش عمده‌ای از دسترنج کارگران برای همیشه از دسترس خارج شد (مصاحبه شماره ۹).

۳.۵ اعتراض به حمالی

پشتی یا جُل ابزار باربری بود که کارگران باربر بر پشت خود می‌بستند. در بازار عراق بدون بستن این پشتی نمدی هیچ کارگری نمی‌توانست مشغول به کار شود. البته به دلیل ورود غیرقانونی به عراق تمام کارگران مجبور بودند برای مخفی نگاه داشتن هویت ایرانی خویش، لباس دشداشه عربی بپوشند و این پشتی بر روی دشداشه عربی پوشیده می‌شد (مصاحبه شماره ۱۳). این ابزار کار که خانم مدلین استارک (۱۳۶: ۶۷-۶۸) از آن با عنوان «کوله پشتی نمدی ضخیم» یاد کرده در واقع نشانه هویت متمایز حمالی و کارگری در جامعه عراق بود. به عبارت دیگر، پوشیدن پشتی با هدف تحقیر کارگران ایرانی نبود، بلکه، قاعده شناسایی فرد به عنوان کارگر و باربر در بازار کار عراق - بر تن داشتن پشتی حمل بار بود. آکی در اشعاری با تشبیه پشتی حمل بار به جُل گاو، نسبت به بارکشی شیعیان برای کارفرمایان سنی مذهب اعتراض و بغداد را نفرین کرده است. آکی (مصاحبه شماره ۱۱) می‌گوید:

«خیال نکرن یه بغدا شاره / خیره فریه‌سه پویله و باره / ملکِ نفرین کرد خلق گُفاره». ترجمه: خیال نکنید چون اینجا شهر بغداد و خیرش فراوان است، می‌توانید پولش را بار بزنید، خاک بغداد توسط مردمان کافر نفرین شده است.

«توسه دپله و گویه مه‌پل لو / حمال ده لور خوی چوی گا و جل لو» ترجمه: گرد و خاک بغداد بر چهره کوه‌های استوار می‌نشیند، حمال‌ها همچون گاو با جُل‌هایشان در آن جولان می‌دهند.

«یا علی هانا ار پیر منی / شیعه بیه و خر بارکیش سنی» ترجمه: یا علی، داد و فریاد، اگر پیر و مراد من هستی، شیعه به خر بارکشی برای سنی تبدیل شده است.

«بغدا تف ال خوه تف ده روی پویله / وبا کس نیله ده شار بجویله» ترجمه: تف به بغداد و به پولش، وبا بغداد را فرو گیرد و هیچ کس در شهر تردد نکند.

کارگران در ابیات دیگری (مصاحبه شماره ۵) در مورد بغداد گفته‌اند: «بغدا شار چول وای دویر ژه امامان / بانث بوگ او ژیر، ژیرت بوگ او بان / خاکت بکیشن و تویره و دامان» ترجمه: شهر بغداد زیر و رو و نابود شوی و خاکت را به تویره بکشند، این نفرین از امامان به دور باد.

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۰۹

کارگران ایرانی در اعتقادات شیعی راسخ بودند. آنها روزهای تعطیل پس از حمام و پوشیدن لباس‌های تمیز برای زیارت راهی کاظمین و کربلا و نجف می‌شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که سال‌های زیادی از عمرش را در عراق گذرانده بود، می‌گوید، در سال ۱۳۴۸ش در اعتراض به دولت پهلوی گفتم: «۱۸۲ میلیون پول نفت ملی ایران است، چرا دولت برای ما خرج نمی‌کند؟ چرا ما باید برای کارگری به عراق برویم؟». او می‌گوید به‌خاطر این اعتراض دو سال را در زندان‌های ایلام، همدان و تهران حبس کشیده است (مصاحبه شماره ۱۵).

۶. نتیجه‌گیری

در این تحقیق پدیده کارگری و حمالی در عراق برپایه تجربه زیسته کارگران تجزیه و تحلیل شد. هدف از این تحقیق درک و فهم واقعیت پدیده کارگری و حمالی در عراق و تبیین ابعاد و زوایای مختلف آن بود. ابتدا پرسشنامه‌ای با طرح ۲۰ پرسش از زوایای گوناگون پدیده تهیه شد. سپس، پرس و جو و تحقیق برای شناسایی و ارتباط با مصاحبه‌شوندگان - اشخاصی که تجربه کارگری در عراق داشته‌اند - به عمل آمد. کانون اصلی مصاحبه شهرستان ملکشاهی بود. داده‌های گردآوری شده به روش پدیدارشناسی در چند مرحله تجزیه و تحلیل و طرح کلی تحقیق در چهار بعد نمایان شد. برای تکمیل طرح کلی و تبیین برخی ابهامات از داده‌های اسنادی استفاده کردیم و نیز، مجدد به تعدادی از مصاحبه‌شوندگان مراجعه شد.

براساس یافته‌های این تحقیق غالب کارگران مهاجر به عراق از جامعه عشایری غرب ایران - به ویژه منطقه پشتکوه (ایلام) - بودند. علل و عوامل عمده مهاجرت فصلی نیروی کار عشایری به عراق، فروپاشی جامعه عشایری در ایران، بیکاری، فقر، زندگی در مناطق مرزی، شناسایی راه‌های ورود و وجود پیوندهای خویشاوندی در عراق بود. غالب مصاحبه‌شوندگان گفتند: «ما راه رفتن به تهران را بلد نبودیم. در حالی که عراق به ما نزدیک بود». در کنار این عوامل کلی برخی از مصاحبه‌شوندگان برای رفتن به عراق دلایل دیگری از جمله فرار از سربازی و شبانی داشتند.

جوکه هسته اصلی تشکیلات کار اشتراکی عشایر ایرانی در عراق بود. هر جوکه کار از ۱۲ الی ۲۱ نفر تشکیل می‌شد. با توجه به مهاجرت فصلی و ورود قاچاقی به کشور همسایه کارگری توأم با خطر بود. بنابر این لازم بود تعدادی از مردان قبیله در زادگاه باقی بمانند و از خانواده خویش و خانواده سایر اعضای جوکه کار مراقبت نمایند. با این تفسیر، ۳ الی ۵ نفر از

اعضای جوکه در ایران مسئول مراقبت از خانواده و رتق و فتق امور برداشت محصول و کوچ عشایری - بودند. شرایط تقسیم کار در عراق به این شکل بود که یک نفر به عنوان سرجوکه، دو نفر به عنوان بارزن، دو نفر به عنوان بارچین یا صفاف و بقیه اعضا، بارکش یا حمال بودند. سرجوکه سواد داشت و مسئول عقد قرارداد کار و تقسیم دستمزد بود. کارفرما کاری با اعضای جوکه نداشت و طرف حساب او شخص سرجوکه بود. درآمد هر جوکه به نسبت یکسان بین اعضای فعال در عراق تقسیم می‌شد، اعضای که در ایران بودند، یک سوم دریافت می‌کردند. در شرایط فقدان بیمه و خدمات اجتماعی، اعضای جوکه هنگام بیماری و پیشامدها از همدیگر حمایت می‌کردند. برانی (کار روزمزدی) و حمال صغیری (کار کودکان) از دیگر اشکال کار در بازار بغداد بود. اگرچه حمالی شیعیان ایرانی برای کارفرمایان سنی مذهب عراقی در اسناد و اشعار آن دوره - شعر آکی - به عنوان شرمساری بازتاب یافته، اما روایت تجربه زیسته کارگران، برپایه شرایط و تنگنای اقتصادی منطقه، حمالی را در پیوند با غیرت و قدرت جسمی تبیین می‌کند. کارگران ایرانی در تحولات سیاسی عراق نقش آفرینی کردند. آنها از متحدان اصلی جنبش سوسیالیستی عراق به رهبری عبدالکریم قاسم بودند. در دوره حاکمیت عبدالکریم قاسم کار و بار کارگران ایرانی بسیار رونق گرفت و قواعد سخت‌گیری بر کارگران ایرانی برچیده شد. به غیر از کارگری، بسیاری از ایرانیان در عراق صاحب کسب و کار شدند و تا روی کار آمدن حزب بعث، رونق کار ایرانیان تداوم یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. اگرچه یک کارگر ساختمانی نیز، ملات، آجر و سنگ را حمل می‌کند، اما برای حمل مواد و مصالح ساختمانی از گاری، بالابر و ابزارهای صنعتی استفاده می‌کند. یک فرد باربر معمولاً بدون استفاده از دستگاه حمل بار و صرفاً به اتکای نیروی جسمانی بارها را حمل می‌کند.
۲. آکی به همراه فرزندانش، علی‌رحیم، علی‌مروت و دامادش به اسم قاسم، تجربه کارگری در بغداد داشت. دقیقاً معلوم نیست این شاعر اولین بار در چه زمانی برای کارگری به بغداد رفته بود. حدس نزدیک به واقعیت این است که آکی در سن نوجوانی مصادف با دوره قاجاریه برای کار به بغداد رفت و در سن پیری به همراه فرزندانش، مصادف با دوره رضاشاه، نیز در بغداد مشغول کار بود. او در ابیات زیبایی سیاحت بغداد را توصیف و به مظاهر تمدنی جدید که برای اولین بار در آنجا دیده از جمله، پل، سیمان، گاری، آمپول، عکاسی، آسیاب برقی، و ... با تعجب اشاره کرده است. «مه خو پرورده یم ژه کُری نجیم / چگم وه بغدا صد علامت دیم». ترجمه: من که از کودکی نجیب پرورش یافته بودم، به بغداد رفتم و آنجا چیزهای عجیب و غریب زیادی دیدم. «یه جسر موتی و بان شَطُو / اوه یش چَرخه‌ی کِردی و خُوَه‌تُو».

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۱۱

ترجمه: پل موت که بر روی رودخانه کشیده شده بود و آمپول که به خودت تزریق می‌کردی را دیدم. «مه خو پرورده‌یم ژه کُری نازار / هژ هول کردم ده نام بازار». ترجمه: من که از کودکی ناز پرورده بودم، در بازار بغداد حالم به هم خورد. «یه آرد بیژیاگ هویرد مکینه / اوه عکس بی گیان ژه هزار وینه». ترجمه: آرد آسیاب شده با آسیاب برقی و هزاران نوع عکس بی‌جان را دیدم.

۳. اصطلاح گردی به معنی تعویض

۴. این حادثه بسیار غم‌انگیز بود و در مرگ‌سروده‌های شاعران ملکشاهی بازتاب یافت. لطف‌علی (لقتالی) از شاعران معروف ملکشاهی در ابیاتی سوزناک اندوه زنان داغ‌دیده کارگران را روایت کرده است. در اینجا چند بیت از مرثیه او بازگو می‌شود: «گل جوانان وو هلاکه‌وه / فلک لاشه‌یان دا وو خاکه‌وه». ترجمه: گروه جوانان هلاک شدند و فلک اجسادشان را در خاک پوشاند. «فلک آورده غم و یانه‌مان / مرگ هات او نزدیک گله‌وانه‌مان». ترجمه: فلک بر عزیزانمان غم روا داشت و مرگ به گله‌ما نزدیک شد. «دوساقه غم‌گین، خان‌پری زاره / فرصت چمه‌ری سمنند سواره». ترجمه: دوساقه و خان‌پری را غم‌گین و زار می‌بینم، فرصت چشم به راه و در انتظار سمنند سواری نشسته است. «فلک ژه کِردت ظلمات‌سانه / کم محبتی ارا یگانه». ترجمه: ای فلک از کار تو همه جا در تاریکی و ظلمت است، در حق یگانه کم محبتی کردی. «هی داد هی بیداد دردم گرانه / غم باری گپم ارا تالانه». ترجمه: داد و بیداد، دردم سخت و اندوه سنگینم برای تلان است. «ژنو شهیدیل بکریم او ویر / کفتن دو هلت خاک دامن‌گیر». ترجمه: دوباره از شهیدان یاد کنیم، آنها در صحرائی که خاکش دامن‌گیر است، گرفتار شدند. «واته لقتالی ملکشاهی / چونای قیامت خوی وه چم دبه / ای دنیا ده لای دو صنار نیه». ترجمه: این شعر گفته لطف‌علی ملکشاهی است، چون قیامت را به چشم خودش دیده است؛ این دنیا برایش دو صنار نمی‌ارزد.

۵. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید در ژوبه گندم کارگران کیسه‌های ۱۸۰ کیلویی گندم را بار و خالی می‌کردند. رستم زعفرانی معروف به رستم ولی (روسَم ولی) از طایفه باوه ملکشاهی، با کیسه ۱۸۰ کیلویی گندم از سر «دوسه» -الوار رابط بین ژوبه و اسکله- به روی اسکله می‌پرد. خریدار گندم که ناظر این صحنه است، به فروشنده می‌گوید: گندم‌تان پوچ است. فروشنده با تعجب می‌پرسد، چطور؟ و دلیل شما برای این حرف چیست؟ خریدار پاسخ می‌دهد: یکی از حامل‌ها با کیسه گندم از سر دوسه برروی اسکله پریده است. فروشنده در پاسخ می‌گوید: حرف شما درست است به شرطی که آن فرد رستم نباشد (مصاحبه شماره ۱۹).

۶. لباس نیم‌تنه پوش مردانه

۷. لباس پولک‌دار زنانه

۸. یک واحد پول قدیمی در عراق برابر با نیم قروش

۹. به سهمی از محصول گفته می‌شود که برای اجرت آسیاب کردن گندم به آسیابان تعلق می‌گرفت.

۱۰. هنگام آسیاب کردن قسمتی از آرد (مقدار یک من) از سوراخ سنگ آسیاب در محفظه زیرین قرار می‌گرفت و به اسم سهم مویشکانه (شاید به معنی سهم موش‌ها) از محاسبه جدا می‌شد. آسیابان می‌توانست علاوه بر سهم اجرت آسیاب، مویشکانه را هم دریافت کند.

۱۱. آکی به همراه فردی به اسم کریم‌بیگ به صورت شراکتی در مهران مالکین یک آسیاب آبی بودند (مصاحبه شماره ۱۱).

۱۲. آسیابان

۱۳. آکی و کریم‌بیگ شنوایی و بینایی ضعیفی داشتند.

۱۴. زنوبه و حسان نام دو کشتی باری معروف در عراق بودند و در این بیت با ایهام به اسم زنان هم اشاره دارد.

۱۵. جسان شهری کوچک در عراق و نزدیک به مرز مهران است.

۱۶. بنا به دلایلی نامعلوم میانه آکی با پسرش علی‌رحیم شکرآب بود. پدر و پسر در اشعاری همدیگر را هجو کرده‌اند.

۱۷. کلمه عربی به معنی بار

۱۸. جسر موت یکی از پل‌های معروف در بغداد و محل عبور بارهای بازار بغداد بود.

۱۹. مسئله ریشه‌گردی یا گری کارگران و مهاجران ایرانی در عراق امروزه به یک مناقشه تبدیل شده است. عده‌ای از محققان بر اصالت اصطلاح «لُر فیلی» و عده‌ای دیگر بر «گُرد فیلی» تأکید می‌کنند. نظر نویسندگان بر این است که به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی اقوام گُرد و لُر در مناطقی از ایران - از جمله پشتکوه (ایلام) - به صورت بالقوه، همواره پتانسیل برجسته‌سازی هر یک از این دو هویت وجود داشته است. منابع متقدم بیشتر بر اصالت هویت لُر فیلی تأکید دارند. به نظر می‌رسد برجسته‌سازی هویت گُرد فیلی در عراق و ایران با تلاش برای تشکیل یک نظام سیاسی مستقل ارتباط داشته است. در مجموع غالب مردم ایلام و تمام مصاحبه‌شوندگان و همچنین نویسندگان این تحقیق خودشان را گُرد می‌دانند. ذکر این نکته هم جالب است که جویس بلو، زبان‌شناس معروف، «لُری بغدادی» را به عنوان یکی از زیرشاخه‌های زبان گُردی معرفی کرده است (بلو، ۱۳۷۸: ۵۴۶-۵۴۴). در واقع زبان معروف به «لُری بغدادی» یادگار حضور گسترده کارگران ایلامی در بغداد و به احتمال قریب به یقین این زبان منطبق بر «گُردی ایلامی» است.

۲۰. برخی از کارگران ایرانی با وجود انجام سربازی در عراق و گرفتن کارت شناسایی عراق در زمان صدام حسین اموالشان مصادره و از عراق اخراج شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که از نوجوانی در صنعت تراشکاری در عراق مهارت یافته بود، در بزرگسالی در بغداد، صاحب یک کارگاه بزرگ تراشکاری و تعمیر ماشین‌آلات راه‌سازی شد. او می‌گوید با وجود داشتن اقامت عراق مامورها به خانه‌اش ریختند و به همراه خانواده‌اش دستگیر و اخراج شدند. خانه، زمین، طلا، پول نقد و تعدادی

تجربه زیسته کارگری در عراق (۱۹۷۹-۱۹۴۰م) (شایان کرمی و سیاوش یاری) ۲۱۳

ماشین آلات سنگین از جمله یک دستگاه بیل مکانیکی و یک دستگاه لودر و سایر اموال منقول و غیرمنقولشان مصادره شد (مصاحبه شماره ۱۷).

کتابنامه

بلو، جویس، (۱۳۸۷)، گردی در راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم، زبان‌های ایرانی نو، ویراستار: رودریگر اشمیت، مترجمان: آرمان بختیاری، عسکر بهرامی، حسن رضایی باغبیدی و نگین صالحی‌نیا، تهران: ققنوس.

دارتینگ، آندره، (۱۳۹۶)، پدیدارشناسی چیست؟، ترجمه: محمود نوالی، تهران: سمت.

عیسوی، چارلز، (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران، مترجم: یعقوب آژند، تهران: گستره.

مادلین استارک، فریا، (۱۳۶۳)، سفرنامه الموت، لرستان، پشتکوه (ایلام)، ترجمه علی محمد ساکی، چاپ اول، تهران: علمی.

مرادی‌مقدم، مراد و مرادی، افسانه، (۱۴۰۰)، «مهاجرت ساکنان پشتکوه به عراق در دوره قاجار و پهلوی و تحلیل اقدامات صورت گرفته برای بازگشت آنان»، فرهنگ ایلام، دوره ۲۲، شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۲۰۴-۱۷۲.

مصاحبه شماره (۱۱)، ح، حسن‌پور، سن (۷۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵، ساعت: ۱۳:۰۰، مکان: شهرستان مهران، مکالمه تلفنی.

مصاحبه شماره (۱۲)، ب، احمدی، سن (۹۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲، ساعت: ۱۶:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، روستای گنبد پیرمحمد.

مصاحبه شماره (۱۳)، ع، بشیری‌پور، سن (۸۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲، ساعت: ۱۷:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، روستای گنبد پیرمحمد.

مصاحبه شماره (۱۴)، ی، سیدحسینی، سن (۱۰۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲، ساعت: ۱۸:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، روستای گنبد پیرمحمد.

مصاحبه شماره (۱۵)، م، پیر باوه‌پور، سن (۸۸)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲، ساعت: ۱۹:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، روستای گنبد پیرمحمد.

مصاحبه شماره (۱۶)، م، بشیری، سن (۸۸)، زمان: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲، ساعت: ۱۹:۳۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، روستای گنبد پیرمحمد.

مصاحبه شماره (۱۷)، ا، دارابی، سن (۷۴)، زمان: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶، ساعت: ۱۹، مکان: ایلام، بلوار مدرس.

مصاحبه شماره (۱۸)، س، داغری، سن (۹۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹، ساعت: ۱۸:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، بازار.

۲۱۴ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- مصاحبه شماره (۱۹)، ص، حاتمی، سن (۷۵)، زمان: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹، ساعت: ۱۸:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، چایخانه غلام صمیمی نژاد.
- مصاحبه شماره (۲)، م، کریمی، سن (۷۵)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷، ساعت: ۴:۰۰ عصر، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله داراب آباد.
- مصاحبه شماره (۲۰)، د، چهاری پور، سن (۱۰۱)، زمان: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹، ساعت: ۱۹:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، نیش چهار راه خرزینوند.
- مصاحبه شماره (۲۱)، ص، آشفنداک، سن (۸۵)، زمان: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹، ساعت: ۱۹:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله حسین بیگ، کارگاه آسیاب.
- مصاحبه شماره (۳)، ک، کریمی، سن (۷۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷، ساعت: ۶:۰۰ عصر، مکان: شهرستان ملکشاهی، منطقه پشته بان باریک.
- مصاحبه شماره (۴)، ن، جوانمرد، سن (۸۰)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰، ساعت: ۵ عصر، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله بان باباخان.
- مصاحبه شماره (۵)، م، زیرم، سن (۷۵)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰، ساعت: ۶ عصر، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله بان باباخان.
- مصاحبه شماره (۸)، ع، ازدهایی، سن (۷۵)، زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲، ساعت: ۲۲:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله سراب.
- مصاحبه شماره (۹)، ع، جهان آراء، سن (۶۵)، ع، مهراییان، سن (۶۷) زمان: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲، ساعت: ۲۳:۰۰، مکان: شهرستان ملکشاهی، محله سراب.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۹۳۰۰۴۳۱۸؛ ۳۱۰۰۱۳۳۹۲-۰۰۰۸؛ ۳۱۰۰۱۳۳۹۲-۰۰۰۹؛ ۳۱۰۰۱۳۳۹۲-۰۰۰۹.
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه (استادوخ): ۱۷-۶/۲-۲۴۰-۱۳۴۵.

Carr, David, (2021), *Historical Experience: Essays on the Phenomenology of History*, London and New York: Routledge.

Jani, Anna, (2022), *The Ontological Roots of Phenomenology: Rethinking the History of Phenomenology and Its Religious Turn*, Lanham, Boulder, New York and London: Lexington Books.

Van Manen, Max, (2016), *Researching Lived Experience*, London and New York: Routledge.